

تصویر و ایماژ

در شعر

مکتب سپاهانے

بررسی و تحلیل دیوان اشعار

طالب آملی

کلیم کاشانی

بیدل دهلوی



دکتر صفدر زبردست



تصویر و ایماژ در شعر مکتب سپاهانی

(بررسی و تحلیل دیوان اشعار طالب آملی، کلیم کاشانی و بیدل دهلوی)

نویسنده

دکتر صفدر زبردست



سرشناسه زبردست، صفدر، ۱۳۵۳-
 عنوان و نام پدیدآور تصویر و ایماز در شعر مکتب سپاهانی: (بررسی و تحلیل دیوان اشعار طالب آملی، کلیم کاشانی و بیدل دهلوی)
 نویسنده صفدر زبردست.
 مشخصات نشر همدان: روزاندیش ۱۴۰۰
 مشخصات ظاهری ز. ۴۵۰ ص.
 شابک 978-600-438-267-0
 وضعیت فهرست نویسی فیبا
 یادداشت کتابخانه.
 عنوان دیگر بررسی و تحلیل دیوان اشعار طالب آملی، کلیم کاشانی و بیدل دهلوی.
 موضوع طالب آملی، ۹۸۷-۱۰۳۶ق. -- نقد و تحلیل
 موضوع کلیم، ابوطالب، - ۱۰۶۱ق. -- نقد و تحلیل
 موضوع بیدل دهلوی، عبدالقادر بن عبدالخالق، ۱۰۵۴-۱۱۳۳ق. -- نقد و تحلیل
 موضوع شعر فارسی -- قرن ۱۱ق. -- تاریخ و نقد
 موضوع Persian poetry -- 17th century -- History and criticism
 رده بندی کنگره PIR ۳۷۶۱
 رده بندی دیویی ۴۰۹/۱۵۱۸
 شماره کتابشناسی ملی ۷۵۱۹۲۳۳

فروشگاه و دفتر انتشارات: همدان میدان جهاد ابتدای خیابان جهاد طبقه زیرین ساختمان خجسته

مدیر مسئول: رضا قمریان - شماره تماس: ۰۹۱۸۱۱۱۱۸۷۶ - ۰۸۱۳۸۲۲۱۰۲۸

پست الکترونیکی: roozbook578@gmail.com

عنوان کتاب: تصویر و ایماز در شعر مکتب سپاهانی



مؤلف..... دکتر صفدر زبردست
 ناشر..... روز اندیش - همدان
 طراح جلد و صفحه آرایی..... مجتبی مهدی پور
 شابک..... ۹۷۸-۶۰۰-۴۳۸-۲۶۷-۰
 شمارگان..... ۱۰۰۰ جلد
 نوبت چاپ..... اول ۱۴۰۰

قیمت: ۱۲۰۰۰۰ تومان

حق چاپ برای مؤلف محفوظ است.

تقدیم به:

روح آسمانی پدر شهیدم که به همه ی آرزوهای نفسانی «نه» گفت و با دوری از دلبستگی ها و وابستگی های دنیوی، قله های بلند انسانی را پیمود و به عالی ترین درجه ی انسان کامل «شهادت» دست یافت.

فهرست مطالب

فصل اول: کلیات و مفاهیم.....	۱
مقدمه:	۳
معانی لغوی ایماژ (Image).....	۶
تصویرسازی	۶
تصویر در زبان فارسی.....	۷
اقسام تصویر.....	۸
کاربرد ایماژ در زبان فارسی.....	۱۱
فصل دوم: مکتب سپاهانی (هندی) و صور خیال کاربردی در مکتب سپاهانی..	۱۳
ویژگی های سبک.....	۱۵
عوامل پیدایش مکتب سپاهانی.....	۱۶
ویژگی های فکری اشعار سبک هندی.....	۱۸
ابهام در سبک هندی.....	۱۹
تغییر سبک از عراقی به هندی.....	۲۰
مبارزه با ابتذال در سبک هندی.....	۲۱
اندیشه و تصویر در سبک عراقی و هندی.....	۲۲
نگرش تازه به طبیعت و محیط اطراف.....	۲۳
انبوهی و تراحم صور خیال.....	۲۴
غرابت در صور خیال.....	۲۵
خیال خیال بندان.....	۲۶
صور خیال در شعر فارسی.....	۲۸
استعاره.....	۲۸
تشبیه.....	۳۰
پارادوکس.....	۳۱

۳۳.....	تصاویر پارادوکسی.....
۳۵.....	کنایه.....
۳۷.....	مجاز.....
۳۹.....	حس آمیزی (Synaesthesia).....
۴۱.....	تشخیص.....
۴۲.....	اسلوب معادله.....
فصل سوم: بررسی و تحلیل تصویر و ایماژ در دیوان طالب آملی، کلیم	
۴۳.....	کاشانی و بیدل دهلوی.....
۴۶.....	بخش اول: بررسی و تحلیل تصویر و ایماژ در دیوان طالب آملی.....
۴۶.....	مقدمه.....
۴۷.....	تصاویر برجسته تشبیهی در دیوان طالب آملی.....
۴۸.....	تشبیه ازدیدگاه ادات تشبیه.....
۴۸.....	تشبیه مرسل.....
۵۰.....	تشبیه موکد.....
۵۷.....	تشبیه بلیغ.....
۶۲.....	بلیغ اسنادی.....
۶۴.....	تشبیه به اعتبار طرفین (حسی یا عقلی بودن).....
۷۹.....	تشبیه مفصل.....
۸۱.....	تشبیه مجمل.....
۸۶.....	تشبیه تمثیل.....
۸۷.....	تشبیه بلیغ.....
۸۸.....	تشبیه در تشبیه.....
۸۹.....	تشبیه ملفوف.....
۹۱.....	تشبیه مفروق.....

۹۱.....	تشبیه تسویه.....
۹۲.....	تشبیه جمع.....
۹۲.....	تشبیه تفضیل.....
۹۵.....	تشبیه های رایج در سبک هندی و دیوان طالب آملی.....
۹۶.....	تشبیه های پر کاربرد و ویژه طالب آملی.....
۹۹.....	تشبیه های بدیع و تازه.....
۱۰۴.....	جایگاه استعاره در تصویرسازی های طالب آملی.....
۱۰۹.....	استعاره مکنیه (بالکنایه).....
۱۱۶.....	تشخیص.....
۱۲۰.....	استعاره اصلیه.....
۱۲۱.....	استعاره تبعیه.....
۱۲۴.....	استعاره قریب یا مبتذل.....
۱۲۵.....	استعاره بعید.....
۱۲۵.....	استعاره تحقیقیه.....
۱۲۶.....	استعاره تخیلی.....
۱۲۷.....	استعاره تمثیلیه.....
۱۳۰.....	تصاویر مجازی در شعر طالب آملی.....
۱۳۱.....	مجاز با علاقه کلیه و جزئیه.....
۱۳۴.....	مجاز با علاقه ی حالیه و محلیه.....
۱۳۷.....	مجاز با علاقه لازمیّت در شعر طالب آملی.....
۱۳۸.....	مجاز با علاقه ملزومیّت.....
۱۳۹.....	مجاز با علاقه سببیّت یا علت و معلولی.....
۱۴۰.....	ذکر معلول یا مسبّب و اراده ی علت و سبب.....
۱۵۱.....	جایگاه کنایه در تصویر سازی طالب آملی.....

۱۶۲.....	انوع کنایه از منظر وضوح و خفا.....
۱۶۸.....	کنایه های نو در شعر طالب آملی.....
۱۷۰.....	نوکرد کنایه در شعر طالب آملی.....
۱۷۴.....	بازتاب فرهنگ عامه در کنایات طالب.....
۱۷۶.....	کنایات کوچه بازاری.....
۱۷۸.....	جایگاه اسلوب معادله در تصویرسازی طالب آملی.....
۱۸۱.....	جایگاه تصاویر پارادوکسی در دیوان طالب آملی.....
۱۸۹.....	جایگاه حس آمیزی در تصویرسازیهای طالب آملی.....
۱۹۲.....	جایگاه عنصر رنگ در شعر و اندیشه ی طالب آملی.....
۱۹۷.....	بخش دوم: بررسی و تحلیل تصویر و ایماژ در دیوان اشعار کلیم کاشانی.....
۱۹۷.....	مقدمه.....
۱۹۹.....	استعاره های نوین در شعر کلیم کاشانی.....
۲۰۲.....	استعاره تمثیلیه.....
۲۰۴.....	اسلوب معادله در شعر کلیم کاشانی.....
۲۰۷.....	تشبیه در دیوان کلیم کاشانی.....
۲۱۰.....	تشبیهات آفریده ی ذوق کلیم کاشانی.....
۲۱۱.....	طفل اشک.....
۲۱۱.....	طفل سرشک.....
۲۱۲.....	بیت معمور سخن.....
۲۱۴.....	تشبیه عبادت زاهد به آه بوالهوس.....
۲۱۵.....	اضافه ی تشبیهی.....
۲۱۸.....	تشبیهات پر کاربرد دیوان کلیم کاشانی.....
۲۲۷.....	تشبیه های بدیع و تازه.....
۲۳۲.....	تصاویر تشبیهی در دیوان کلیم کاشانی با بهره گیری از اعضای بدن.....

تصاویر تشبیهی در دیوان کلیم کاشانی با بهره گیری از ابزارهای فراگیری	۲۳۳
دانش.....	۲۳۳
کاربرد ویژه ی ادات تشبیه در دیوان کلیم.....	۲۳۷
نتیجه.....	۲۳۹
تشخیص در شعر کلیم کاشانی.....	۲۴۱
عوامل مؤثر در تناقض گویی سبک هندی و اشعار کلیم کاشانی.....	۲۴۶
پارادوکس (متناقض نما) در شعر کلیم کاشانی.....	۲۴۷
حس آمیزی.....	۲۵۱
تصاویر کنایی در دیوان کلیم کاشانی.....	۲۵۳
تصاویر مجازی در دیوان کلیم کاشانی.....	۲۷۱
رنگ در شعر فارسی.....	۲۷۶
رنگ ها و مفاهیم آنها.....	۲۷۷
عنصر رنگ در دیوان کلیم کاشانی.....	۲۷۹
بخش سوم: بررسی و تحلیل تصویر و ایماژ در دیوان اشعار بیدل دهلوی.....	۲۸۴
خیال از دید بیدل.....	۲۸۴
استعاره در سبک هندی.....	۲۸۹
استعاره در دیوان بیدل.....	۲۹۱
پرورش استعاره در شعر بیدل.....	۲۹۴
نگاه استعاری و مجازی بیدل.....	۲۹۶
استعاره های دور از ذهن.....	۲۹۸
استعاره مصرحه ی مفرد در دیوان بیدل.....	۲۹۹
استعاره های مصرحه و کنایی در دیوان بیدل.....	۳۰۰
تصاویر تشبیهی در دیوان بیدل.....	۳۱۲
وجه شبه های مشترک در دیوان بیدل.....	۳۵۳

۳۵۸.....	تشبیه بلیغ (فشرده).....
۳۶۵.....	تشخیص در دیوان اشعار بیدل.....
۳۷۷.....	تناقض گوئی در شعر بیدل دهلوی.....
۳۸۶.....	حس آمیزی و پارادوکس.....
۳۸۸.....	اسلوب معادله در دیوان بیدل دهلوی.....
۳۹۲.....	تصاویر کنایی در دیوان بیدل.....
۴۱۵.....	تصاویر کنایی نو و تازه در دیوان بیدل.....
۴۱۷.....	مجاز و تصاویر مجازی در دیوان بیدل.....
۴۲۴.....	عنصر رنگ در شعر بیدل.....
۴۲۸.....	نتیجه گیری.....
۴۳۵.....	کتاب نامه.....



فصل اول: کلیات و مفاهیم







کلیات و مفاهیم

مقدمه:

الهی شعله‌ی شوقم فزون ساز	مرا آتش کن و در عالم انداز
الهی ذره ای آگاهییم بخش	رهم بنما و بر گمراهیم بخش
ز دانش گوهر پاکم برافروز	چراغ چشم ادراکم برافروز
عطا کن جذبه‌ی شوق بلندی	که نه دامی بره ماند نه بندی
خرد را چاشنی بخش از کلامم	زبان را چرب و شیرین کن بکامم
دلم را چشمه‌ی نور یقین ساز	در این تاریکیم باریک بین ساز

(طالب آملی، ۱۳۹۱: ۳)

تأثیر و اهمیت عنصر خیال بر فکر و ذوق آدمی، بر هیچ کسی پوشیده نیست. کار تخیل ابداع و ایجاد تصویرهای خیالی است و از طریق آن هاست که عاطفه و اندیشه‌های شاعر، جنبه‌ی شعری به خود می‌گیرد و از صورت بیان مستقیم عادی و متداول بیرون می‌آید.

ادیبان قدیم با همه‌ی توجهی که به اهمیت صور خیال در شعر داشته‌اند، درباره‌ی سهم خیال در ساختمان شعر کمتر سخن گفته‌اند و علت این سکوت را بیشتر باید در طرز و شیوه‌ی تفکر آنان نسبت به شعر و مفهوم آن جستجو کرد. و از آن جا که بیشتر به ظاهر و شکل شعر نظر داشته‌اند، عنصر خیال و جوهر شعری کمتر مورد توجه ایشان بوده است. و از اهمیت خیال در ساختمان شعر اندک و کم سخن گفته‌اند؛ ولی آن‌هایی که دید منطقی و فلسفی نسبت به مفاهیم داشته‌اند، عنصر خیال را جوهر اصلی شعر شمرده‌اند و بسیاری از گویندگان مکاتب جدید ادبی، هنر را نتیجه‌ی خیال و تخیل دانسته‌اند.



تخیل یک پدیده‌ی مرکب است و همچنین وابسته به متغیرهایی که هویت و هستی انسان را شکل می‌دهند؛ بنابراین، اگر هر یک از این متغیرها، دگرگون شود، می‌تواند کل ساختار فرمی، شکلی و محتوایی تخیل را دگرگون کند.

هر خیالی با تصویر شاعرانه نمود می‌یابد و این تصاویر هر یک به تنهایی و یا به همراه دیگر عناصر عمل تخیل را ایجاد می‌کنند و این تصاویر خود ساخته و پرداخته‌ی خیال شاعرند و می‌توان ادعا کرد که خط رابط بین خیال شاعر و مخاطب را همین تصاویر می‌سازند. از این رو، هر چند تصاویر ساختگی نباشد، نه تنها در موسیقی و بافت اثر سودمند خواهد شد، بلکه در برانگیختن خیال و احساس خواننده و زیبایی شعر، هم اثر خواهد گذاشت. مورتیس در این باره می‌گوید: موضوع هنری، با موضوع زیبایی، خوشتن را کامل می‌کند.

در فرهنگ‌های مختلف آمده است که تصویر، صورت کردن، نقش کردن و آفریدن چیزی است. ادیبان زبان فارسی نیز برای تصویر تعاریف مختلفی ارائه کرده‌اند. جرجانی نخستین کسی است که واژه‌ی «صورت» را در مفهوم اصطلاحی به کار برده است. در نظر او «صورت» عبارت است از: «تفاوت‌های متمایز کننده‌ی معنی از معنی»؛ او نگرشی نو به «صورت» بخشیده است. زیرا در نظر او «صورت» خود شیء نیست، بلکه ویژگی‌های متمایز کننده‌ی آن از شیء دیگر است. این ویژگی‌ها گاه در شکل است و گاه در مضمون- ساخت هنری کلام و نظم درونی و سیاق زبانی را شکل می‌دهد. (فتوحی، ۱۳۸۵: ۴۰) در فرهنگ اصطلاحات ادبی در مورد تصویر این گونه آمده است که: «تصویر خیال اصطلاح جدیدی است که در ادب و نقد ادبی به جای کلمه‌ی «ایماژ» در ادب عرب به کار می‌رود. در زبان انگلیسی "image" به معنی نشان دادن شخص، حیوان یا شیء به شکل نقاشی یا عکس است و به طور کلی به هر صورتی که به وسیله‌ی حس بینایی قابل دریافت باشد، ایماژ می‌گویند. پس گفته می‌شود: «ایماژ اثری ذهنی یا



شباهت قابل رؤیتی است که به وسیله‌ی کلمه، عبارت و جمله‌ی نویسنده یا شاعر ساخته می‌شود تا تجربه‌ی حسی او به ذهن خواننده یا شنونده منتقل شود. (داد، ۱۳۷۵: ۳۲)

تصویر عنصر ثابت شعر و پایه و اساس خیال شاعرانه است و نیروی جهان بینی شاعر در یک تصویر متتهای فشرده‌گی خود را نشان می‌دهد. تصویر در عام‌ترین مفهوم خود بر کل زبان مجازی، یعنی بر آن بخش از کاربردهای خلاقه‌ی تصویر هنری زبان که از رهگذر تصرفات خیال در زبان عادی به وجود می‌آید، اطلاق می‌شود و نیز اصطلاح تصویر دامنه‌ی معنایی گسترده‌ای دارد، زیرا در پیچیده‌ترین ذهنیت هر «امر خیالی» مرکب، پیچیده و چند بعدی را که از ترکیب امور متعدد حتی از ترکیب حالات و اصوات متناقض حاصل آید، تصویر نامیده‌اند؛ به عبارت دیگر «تصویر» هر گونه کاربرد مجازی زبان است که شامل همه‌ی صناعات و تمهیدات بلاغی از قبیل: تشبیه، استعاره، مجاز، کنایه، تمثیل، نماد، اغراق، مبالغه، تلمیح، اسطوره، اسناد مجازی، تشخیص و ... می‌شود. (فتوحی، ۱۳۸۵: ۴۵-۴۱)

شاعران سبک هندی از جمله‌ی کسانی بودند که از تصویرسازی در اشعار خود بهره‌ی فراوان بردند و نگرشی تازه و نو به طبیعت داشتند که این نگرش را از راه و شیوه‌ی خیال بندی مطرح می‌کردند. آنان در آوردن تشبیه‌ها و استعارات، کنایات، مبالغه، اغراق و زیاده روی می‌کردند و تشبیه‌ها و استعاراتی نامأنوس به کار می‌بردند که فهم و دریافت روابط تخیلی و اجزای تصاویر شعری آنان را بسیار دشوار می‌کرد. تصاویر شاعران این سبک، چند بعدی، مبهم، پیچیده و تو در توست. کشف این تصاویر نیازمند تخیلی قوی و آشنایی با ادبیات و علوم و فنون مختلف است. (فتوحی، ۱۳۸۵: ۱۲۸)

بیدل دهلوی، کلیم کاشانی، طالب آملی از شاعران و چهره‌های برجسته‌ی سبک هندی هستند، مضامین زیبا، عاشقانه و گاه عارفانه و تصویرسازی آن‌ها در شعر پارسی بازتابی



گسترده داشته است. در این کتاب نویسنده تلاش فراوان نموده است که تصویر و ایماژ را در دیوان اشعار این شاعران مورد بررسی و تحلیل قرار دهد.

معانی لغوی ایماژ (Image)

هر واژه ای دارای یک یا چند معنی لغوی و اصطلاحی می باشد، و ایماژ نیز در فارسی، انگلیسی و عربی دارای معانی مشابه و گاه همسان است. «در لغت نامه های انگلیسی برای واژه (Image) معانی زیر آمده است: بدل، کپی، شبیه، عکس، مجسمه، شکل، تشبیه، سایه، شمایل، برگردان و نمادین کردن ... منتقدان و بلاغیان معاصر عرب نیز واژه های «صورت» و «تصویر» را معادل و برابر ایماژ به کار برده اند. در زبان فارسی کلمه «خیال» را برابر با «ایماژ» پیشنهاد کرده اند، زیرا خیال در معنی سایه، عکس، پرهیب، شیخ و ... آمده است. اما در نقد ادبی و بلاغت فارسی اصطلاح «تصویر» مقبولیت و پذیرش عام یافته است.» (فتوحی، ۱۳۸۹: ۳۹)

تصویرسازی

تصویرسازی گاه نقاشی و ترسیم یک عکس، نقش و تصویری را در ذهن مجسم می نماید اما در ادبیات تصاویر تفاوت بسیار با نقاشی بیرونی و تجسیم طبیعت دارد، مواد مصالح در تصویرسازی ادبی واژگان و کلمات هستند که به یاری و مدد آنها می توان تصاویری زیبا آفرید. «مراد از تصویرسازی، نقاشی و نمایش و فیلم سازی با کلمات است. بدین صورت که شاعر یا نویسنده باید به قدری بر کلمات، فضا، معنا و ارتباط این سه با هم چیره و مسلط باشد که بتواند به راحتی و آسانی و با روش های گوناگون، و با کاربرد جملات و کلمات تابلویی زیبا، نمایش یا فیلمی زنده در برابر دیدگان و ذهن خواننده تصویر کند و خواننده وقتی به پایان نوشته رسید آن را درست مانند نقاشی و فیلم در ذهن و حافظه خود مجسم کند. بزرگان گذشته در تصویرسازی و وصف - که



خود گونه ای تصویرسازی است، بسیار توانا و چیره دست بوده اند و گاه شعر و نثرشان چندان قوی و دلنشین و زنده است که گویی منظره ای را در پیش چشم و دیدگان، توصیف می کنند. (مجبئی، ۱۳۸۶: ۱۵۴) می توان فردوسی، منوچهری، نظامی، بیهقی، خاقانی، سعدی و حافظ، مولوی، صائب و بیدل دهلوی را خداوندان ادب در تصویرسازی دانست.

تصویر در زبان فارسی

اصطلاح تصویر دامنه گسترده معنایی دارد، تصویر به مجموعه تصرفات بیانی و مجازی از قبیل تشبیه، استعاره، کنایه، مجاز، اغراق، تشخیص، حسامیزی، پارادوکس و ... اطلاق می شود.

«تصویر در رایج ترین کاربرد عبارت است از: هر گونه تصرف خیالی در زبان؛ این تعریف هم در بلاغت سنتی و قدیم و هم در نقد ادبی جدید مورد پذیرش است و عموماً اصطلاح تصویرپردازی را برای کلیه کاربردهای زبان مجازی به کار می برند. در این مفهوم تصویر عبارت است از هر گونه کاربرد مجازی زبان که شامل همه صناعات و تمهیدات بلاغی از قبیل تشبیه، استعاره، مجاز، کنایه، تمثیل، اغراق، مبالغه، تلمیح، اسطوره، اسناد مجازی، پارادوکس و تشخیص و ... می شود. و اطلاق تصویر بر همه شکل های مجازی زبان بیشتر به فهم و سلیقه عربی نزدیک تر است. این تلقی از تصویر چندان مقبولیت یافته که برخی از واژه نامه های ادبی، «تصویرگری» را در یک مفهوم گسترده مترادف کل «زبان مجازی» می شمارند و می دانند. استنباط فرمالیست ها از تصویر نیز چنین است؛ آنان تصویر را جوهره اساسی شعر و عامل اصلی تأثیر سخن شعری می دانند و معتقدند که راهیابی به معنا و دنیای ذهن و روان هنرمند در مجازهای زبانی است و از طریق تحلیل تصویرهای مجازی می توان به آن دنیای درونی و پنهان راه یافت. بدیهی است که این نوع نگاه به زبان مجازی، ریشه در بلاغت کهن ارسطویی دارد



و نظام بلاغت سنتی که از ارسطو آغاز می شود بر پایه تقسیم زبان به دو قطب (حقیقت و مجاز) بنا شده است. زبان مجازی صورتی فراتر و برتر از زبان حقیقی به شمار می رود؛ یعنی هر تصویر مجازی، جانشین یک حقیقت زبانی است. در این نگاه هر صورت مجازی عبارت است از صورت خیالی یک کاربرد حقیقی زبان؛ یعنی در یک سو واقعیت است که با زبان حقیقی بیان می شود و در دیگر سوی، مجاز که با زبان خیالی و مجازی به تصویر در می آید. بنابراین برای این که زبان مجازی را بفهمیم باید آن را به زبان حقیقی برگردانیم و مجازها، استعاره ها، رمزها و کنایات را به یک معنی واقعی تأویل کنیم و برگردانیم. به همین دلیل است که در همه تحلیل های بلاغی کهن، تصویرهای مجازی به معانی حقیقی و مصادیق واقعی باز گردانده می شوند.» (فتوحی، ۱۳۸۹: ۴۵)

اقسام تصویر

تصویر پدیده ای ذهنی است که بحث در مورد اقسام آن و چگونگی طبقه بندی آن به ما کمک می کند که بهتر و بیشتر آن را بشناسیم. به طور کلی تصویرپردازی (imagery) در ادبیات به دو مفهوم به کار می رود:

۱- «نویسنده ای که زبان واقعی و قاموسی را به منظور انتقال یک تصویر بصری (یک عکس طبیعی از اشیاء) به ذهن خواننده به کار ببرد، دست به تصویرپردازی می زند. نویسندگان واقع گرا برای بازنمایی واقعیت از این نوع تصویرپردازی استفاده می کنند.

۲- کاربرد صناعات بلاغی برای بیان تصور و اندیشه انتزاعی در زبانی زنده، خلاقه و ابداعی نیز تصویرپردازی نامیده می شود. نوع دوم تصویرپردازی که از شگردهای تشبیه، استعاره، تشخیص، کنایه و دیگر صناعات معنوی و ادبی بهره می گیرد، عنصر اساسی و شالوده کار شاعر است.» (فتوحی، ۱۳۸۹: ۴۶).

تصویر و ایماژ به دو نوع ایماژ زبانی و ایماژ مجازی تقسیم می شود.



«تصویر زبانی verbal image» مبنای این تقسیم بندی کاربرد واقعی و حقیقی زبان است.

«تصویر مجازی figurative image» مبنای این تقسیم بندی کاربرد مجازی و غیر واقعی و حقیقی زبان است.» (همان: ۴۷)

تصویر زبانی: تصویری است که از رهگذر کاربرد حقیقی واژگان زبان در ذهن حاصل می شود و ذهن ما هیچ دخل و تصرفی در این نوع تصویر نداشته و این فرایند ادراک، کارکرد طبیعی و عادی ذهن انسان است و تصویر زبانی معمولاً ساده و تک بعدی است. تصویر مجازی: حاصل کشف رابطه یا ایجاد پیوند میان دو یا چند امر است که به ظاهر ارتباطی با همدیگر ندارند و ارتباط فقط در خیال ما اتفاق می افتد. تصویر مجازی ساده و تک بعدی نیست بلکه مرکب از دو یا چند جزء است که به کمک خیال و عاطفه‌ی شاعرانه با یکدیگر پیوند می خورند و واقعیت نوینی می آفرینند که در دنیای خارج سابقه ندارد و سرشار از تازگی و غرابت است. مثلاً تصویر «دریای آتش» را در نظر بگیرید. دریا یک واقعیت است و آتش واقعیت دوم است اما حقیقت «دریای آتش» هیچ کدام از این دو نیست و در دنیای خارج واقعیت ندارد بلکه امر سومی است که از رابطه خیالی میان دو واقعیت ناساز متولد شده است. برخی تصویرها به خودی خود وجود خارجی ندارند و امری تازه است که با تصرف خیال در امور طبیعی خلق می گردند. اینها گرچه در عالم خارج وجود ندارند اما می توان حتی پیچیده ترین آنها را در خیال تصور کرد.» (فتوحی، ۱۳۸۹: ۵۳)

تصویر مجازی محصول تصرف خیالی انسان در اشیاء است. مشهور است که ذهن با کشف روابط نادر و ایجاد پیوندهای غریب میان اجزاء و اشیاء طبیعی به ابداع تصویر دست می زند. در تقسیم بندی دیگر، تصاویر را به تصاویر اثباتی و اتفاقی تقسیم می کنند، تصویر اثباتی زائیده یک ادراک حسی و حاصل اندیشه ای عقلانی است.



در دیگر سوی تصویر اتفاقی است که نیندیشیده و به طور اتفاقی بر زبان شاعر جاری می گردد. این نوع تصویر فرزند ناخودآگاه است و همچون یک جرعه ناگهانی و اتفاقی از ترکیب امور متغیر حاصل می شود و این تصویر، تصویری برهانی و عقلانی نیست و صرفاً بر پایه تشابه میان امور دیداری و شنیداری یا همانندی در شکل و حجم و رنگ و بو شکل نمی گیرد، بلکه از حواس در می گذرد و سرشار از عناصر عاطفی و تجارب روحی شاعر است. منشأ تازگی و پویایی تصویر اتفاقی، عاطفه شاعر و روح زنده‌ی اوست. برخلاف تصویر اثباتی، ثابت نیست و تن به یک معنی واحد نمی دهد. شعری که از تصویر اتفاقی شکل می گیرد، شعر تجارب روحی است که مکاشفه و الهام بر آن غلبه دارد، در حالی که شعری که از تصویرهای ثابت فراهم می آید شعر وصفی و اثباتی است. دیدگاه و نگاه شاعران و سخنوران به شیء و پدیده‌ی، یکسان و یکنواخت نیست بلکه نگاه سخنوران و شاعران به اشیاء همواره به یک شیوه نبوده، گروهی دید و نگاهشان به بیرون و پوسته بیرون اشیاء و پدیده هاست و برخی به درون و جوهر اشیاء می نگرند.

تصویر اعماق: این نوع تصاویر همواره سرشار از رمز و راز هستند و گاه به نماد بدل می شوند. «اشاره این تصویرها به جهانی است در ژرفای جان عارف. به عالم کل، که فراسوی حس است. این تصویرها معمولاً به سهولت و سادگی قابل دریافت نیستند. شاعر از اعماق دریای ناخودآگاه خویش، از ژرفای اقیانوس جان الهی اش مروارید معنا را به سطح زبان می آورد و در صورت یک شیء مادی می ریزد تا نشانی از آن مکاشفه و شهود، بر جای بگذارد. این نوع تصاویر به حقایق فراتر از پوسته طبیعت اشارت دارند. این شگرد تصویرپردازی را که از سطح ادراک حسی فراتر می رود و به تجسم عوامل فرا حسی می پردازد. تصویرپردازی اعماق نامیده ایم. ابداع چنین تصاویری، محصول حالات شهودی و عوالم ناخودآگاه خیال است. بهترین و عالی ترین گونه های این نوع تصویرها



با توجه به آنچه که گفته شد تصاویر نیز مانند هر پدیده و شیئی دارای گونه ها و اقسامی هستند و به تصاویر زبانی، مجازی، اثباتی و اتفاقی، و تصاویر سطحی و اعماق (عمقی) تقسیم می شوند و در ادبیات فارسی به صورت گسترده و وسیعی به کار رفته و موجب زیبایی و آراستگی شعر و سخن سخنوران و شاعران گردیده است. از این منظر و دیدگاه نیز دو نوع تصویر پدید می آید: تصویر سطح و تصویر اعماق که در بالا به تصویر عمقی (اعماق) پرداختیم.

تصویر سطح: «عادی ترین و ساده ترین صورت خیالی، تشبیه است، به ویژه تشبیه یک شیء حسی به یک شیء حسی دیگر که در پایین ترین سطح ادراک حسی قرار دارد. وقتی شاعر رابطه میان اشیاء و امور حسی را کشف می کند در واقع تصویری می سازد که مقبول عقل و ادراک حسی است، چنین تصویرهایی غالباً دو بعدی هستند (مثل بلور آب) و به سهولت قابل درک هستند و در سطح زبان و ارتباط حسی میان واژه ها متوقف می شوند. در این شیوه شناخت، جهان و اشیاء همان گونه که هستند در ذهن بازتاب می یابند و دستخوش تصرف خیال شاعر نمی شوند، بلکه ذهن او همچون آینه ای در برابر طبیعت قرار دارد، و طبیعت را همان گونه که هست باز می نمایاند. یا این که صورت های حسی را به صورت های حسی مشابه و همسان مانند می کند. در تصاویر سطحی شاعر و سخنور سطح واقعیت بیرونی و پوسته طبیعی را نقاشی می کند و به عمق و ماهیت پدیده ها راه نبرده است. این نوع تصویر عکسی است از عناصر طبیعی در قالب کلمات و واژگان. (فتوحی، ۱۳۸۹: ۶۴)

کاربرد ایماژ در زبان فارسی

نخستین بار بحث از (ایماژ) را دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی در کتاب صور خیال در شعر فارسی (سال ۱۳۴۹) مطرح نمود و از جنبه عملی و نظری آن را با دقت و ظرافت ویژه ای به بحث گذاشت. ایشان در این باره چنین گفته اند: «آنچه ناقدان اروپایی ایماژ



می خوانند، در حقیقت مجموعه امکانات بیان هنری است و زمینه اصلی آن را انواع تشبیه، استعاره، اسناد مجازی، و رمز و گونه های مختلف ارائه تصاویر ذهنی می سازد، از این روی دو اصطلاح «تصویر» و «خیال» را در مجموع برابر کلمه ایماژ فرنگی برگزیده ایم تا شامل همه انواع آن باشد. با توجه به این که ایماژ، هم از نظر لغت و هم از نظر اصطلاح برابر است با «تصویر» یک شیء، خواه تصویر ذهنی باشد، خواه مادی، شایسته است که آنچه در نقد ادبی جدید و در کتاب های بلاغت فرنگی به نام ایماژ خوانده می شود (و بعضی از معاصران ما به عنوان تصویر از آن یاد می کنند) با کلمه خیال که در شعر و ادب قدیم عربی و فارسی استعمال شده است، برابر نهاده شود زیرا گذشته از اینکه لفظ ایماژ به معنی تصویر و سایه و خیال است از نظر فلسفی نیز حوزه آن نزدیک به همین مفهوم اصطلاحی اهل نقد و ادب است.» (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۱: ۱۰) از آن پس بررسی تصویرهای شعری با توجه به این روش محور پژوهش های ادبی قرار گرفت. اما اصطلاح تصویر در نقد ادبی و بلاغت فارسی کاربرد چندانی نداشته است و در آثار ادبی واژه «خیال» در مفهوم شعری و صورت خیالی رواج داشته است.